

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵) تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام "متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی" می‌توانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریع‌تر آورده شده است. خوشحال می‌شویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰ ، پیام‌رسان‌های ایتا و بله؛

*- صوت ۱۲۴ حدود الواجب الغیری

*- چه ملازمه را هم در مرحله جعل بدانیم و هم در مرحله اراده یا مثل شهید صدر فقط در مرحله شوق و حب بدانیم. بر کدام از این مبناها که قائل باشید سؤال می‌شود که آیا این وجوب غیری یا شوق غیری بنابر نظر شهید، این فقط و فقط شامل مقدمه موصله می‌شود یا اعم از مقدمه موصله یا غیر موصله؛ مقدمه‌ای که ما برسیم در نهایت به آن واجب نفسی؛ مقدمه غیر موصله ما را ب وجوب نفسی نرساند. مثلاً می‌روم حج ولی به میقات نمی‌رسم.

شهید صدر می‌گوید ما باید ببینیم ملاک و غرض در بخش واجب غیری - البته به تعبیر دیگران و حب غیری به تعبیر خود شهید - چیست؟ یک وقت غرض از واجب غیری عنوان تمکن است. یعنی ممکن می‌شود بریا شما که حج را انجام دهید اعم از اینکه حج از شما واقع شود یا نشود. چون تمکن اعم از وقوع است. اگر غرض صرف تمکن باشد این غرض حاصل می‌شود با طبیعی مقدمه یعنی چه مقدمه موصله باشد یا موصله نباشد و لازم نیست که مقدمه حتما موصله باشد. اینکه دیگر اون حج را انجام می‌دهید یا نمی‌دهید این حج انجام دادن یا ندادن دست خودتان هست.

یکی وقتی می‌گویید که نه ما طبیعی حکم کار نداریم چون مولا نمی‌خواهد که مثلاً در مورد حج ما فقط سفر برویم. بلکه آن سفری مدنظر است که منتج باشد به حج و نتیجه اش بشود حج انجام بشود و طبعاً ثابت می‌شود مقدمه موصله مدنظر است. خب این دو دیدگاه است که صاحب کفایه می‌گوید طبیعی المقدمه مدنظر است. در مقابل این نظر، نظر صاحب الفصول است و می‌گوید فقط مقدمه موصله مدنظر است.

هر دو گروه آمده اند برهان بیان کردند به این صورت که گفتند اگر بخواهیم ملزم به دیدگاه مقابل شویم مشکل پیش می‌آید.

* - ۲۷۹/۱ **ويمكن أن يبرهن على الأول:** اما برهان صاحب الكفايه و ... : اگر وجوب غیری بخواهد فقط و فقط به مقدمه موصله تعلق بگیرد نه به طبیعی المقدمه، اشکالی پیش می آید که این کدام مقدمه است؟ مقدمه ای که به دنبال خودش ذی المقدمه را دارد. یعنی وضویی را میخواهد که ما را به صلاۀ برساند و خود صلاۀ قید شده در وضو. در حقیقت واجب نفسی شده است قیدی برای واجب غیری و این نمیشود زیرا انگار واجب نفسی خودش واجب غیری شده است و واجب نفسی میشود واجب غیری واجب غیری.

برهان گروه دوم: ما قبول نداریم که آنچه غرض باشد صرف امکان پیدا کردن برای انجام واجب باشد. بلکه آنچیزی که غرض از مقدمه می باشد ذی المقدمه است یعنی مولا چه نوع مقدم ای را میخواهد مقدمه ای که ما را برساند نه هر مقدمه ای را؛ آنچیزی که غرض از مقدمه است منظور تان چیست؟ اگر بگویید غرض نفسی است یعنی به خودی خود این امکان یافتن مطلوب مولا است، این وجدانا و ضرورتا باطل است مولا صرف سفر را نمیخواهد مولا سفری را میخواهد که منجر به حج شود زیرا محبوب نفسی حج است و لا غیر. پس این نمیشود. بعد مرحوم نائینی میگوید مضافا که اینجا خلف هم لازم می آید، خلف به این بیان که اگر ما اینطور گفتیم این سفر که من انجام میدهم برای حج، در هر صورت چه من حج انجام بدهم و چه حج انجام نمی دهم تمکن را برای من حاصل می کند. یعنی در هر صورت موصله است. قبلا موصله را معنا میکردیم موصول الی واجب نفسی حالا گفتیم غرض از مقدمه ممکن شدن واجب نفسی پس این سفر در هر صورت من واجب را انجام بدهم چه انجام ندهم در هر صورت امکان را برای من فراهم میکند پس همیشه موصول الی غرض است و همیشه موصول الی تمکن است و این خلف فرض شما است فرض شما این بود که گاهی موصله باشد و گاهی موصله نباشد. اما این که همیشه موصله شد، در صورتی ما داریم جایی را فرض میکنیم که بتوانیم مقدمه را از واجب نفسی جدا کنیم و منفک و جدا لحاظ کنیم ولی اینها جدا نیستند و همیشه با همدیگر هستند و این نمیشود.

* - ۲۸۰/۱ **وإن أريد بها أنَّ التمكن غرض غیری فهو بدوره طریق إلی غرض نفسي لا محاله:** اما اگر شما بگویید نه منظور ما از تمکن غرض غیری است نه غرض نفسی. خیلی خب قانون داریم کل ما بالعرض لابد ان ينتهي ما بالذات بالاخره اگر یک غیری است یک نفسی میخواهد، الان گفتید غیری است خب میخواهد ما را به یک نفسی برساند. اگر اینطور شد مشکلی ندارد و ما می گوئیم غرض غیری از تمکن، همان حصول واجب نفسی است و همان مطلبی که میخواهیم ثابت میشود و اگر این را نپذیرید تسلسل پیش می آید.

۲۸۰/۲ **فالصحيح إذن: اختصاص الوجوب بالحصه الموصلة:** شهید میگوید صحیح این است که قید موصله مدنظر است ولی اشکال امثال آخوند سرجای خودش محفوظ است؛ شهید میگوید بگوئیم وجوب غیری تعلق گرفته است به مجموعه ای از مقدمات، هر وقت اون مقدمات پیدا شود وجود واجب بعد از اون مجموعه مقدمات مذموم است. این نظیر شرط متاخر میماند شما در شرط متاخر میفرمایید این خانمی که غسل استحاضه دارد میگوید روز روزه شنبه شما قبول است به شرطی که شب یکشنبه یعنی بعد از روزه غسل استحاضه کنید. یا در عقد فضولی بگوئیم این عقد در صورتی صحیحا جاری شده که اون از بعد از بیع داده شود به نحو شرط متاخر. شهید صدر میگوید انگاری اینطوری است که شارع میگوید

اوجبتُ هذه المقدمة على تقدير یعنی بنحو مشروط بر اینکه شما برسید به اون نتیجه و اگر رسیدی من در حقیقت دوستش دارم، ولی اگر نرسیدی من از اول دوستش نداشتم مثل اون غسل یا مثل اون عقد فضولی.

مشاکل تطبیقه :

در خصائص وجوب غیری چهار ویژگی ذکر شد : یکی وجوب غیری صلاحیت برای تحریک مستقل ندارد. ثانیاً امتثال وجوب غیری نمیتواند موضوع مستقلاً برای ثواب باشد. رابعاً وجوب غیری فقط میتواند توصلی باشد نه تعبّدی یعنی قصد قربت لازم نیست.

ما درست است اون خصائص را گفتیم اما قواعدی داریم که با خصائص ثانیه و رابعه در تنافی قرار میگیرد یعنی حالاتی داریم که خود مقدمه ثواب دارد و حالاتی داریم که خود مقدمه دارای قصد قربت است مثل وضو.

جواب در اشکال مربوط به خصیصه دوم : درست است و مدانیم که بله ، واجب غیری از آن حیث که امتثال واجب غیری است ثواب ندارد و درست میگویند. اما اگر گفتیم واجب غیری را امتثال میکنیم به عنوان اینکه شروع کردم برای اتیان واجب نفسی این که ثواب دارد. یعنی عملاً دارم واجب نفسی را انجام میدهم.

*- ۲۸۱/۱ **وَأَمَّا فِيمَا يَتَّصِلُ بِالْحَالَةِ الرَّابِعَةِ فَإِنَّهَا فِي الْحَقِيقَةِ** : مقدمه یعنی چی ؟ مقدمه یعنی یک چیزی که ما را به ذی المقدمه برساند پس اصل ذی المقدمه است و دائر مدار ذی المقدمه هستیم. از ذی المقدمه میپرسیم که شما چه چیزی را میخواهید؟ اگر ذی المقدمه یا همان واجب نفسی بگوید مقدمه من فلان فعل به همراه قصد قربت است یعنی ما قصد قربت را بخاطر ذی المقدمه انجام می دهیم و اگر واجب نفسی بگوید نه قصد قربت نمی خواهم. یعنی آمدم در توصلیت توسعه می دهیم یعنی توصلیت چه چیزی ما را میرساند به واجب نفسی یا همان ذی المقدمه، گاهی قصد قربت می خواهد و گاهی نمی خواهد. پس نظر ذی المقدمه برایمان مهم است.

۲۸۱/۲ **فَإِنْ قِيلَ : أَلَيْسَ قَصْدُ الْقُرْبَةِ مَعْنَاهُ التَّحَرُّكُ عَنْ مُحَرِّكِ مَوْلَى لِإِيجَادِ الْفَعْلِ** : اشکال در خصصه اولی : مستشکل میگوید قصد قربت یعنی چی ؟ یعنی شما کاری را انجام می دهید و قصد می کنید اون امر را اتیان کرده باشد یعنی یک محرک مولوی برای انجام اون فعل وجود دارد و شما حرکت کردید ناشی از اون تحریک مولوی و ما گفتیم تحریک مولوی به واجب غیری نمیخورد.

پاسخ ما میگوییم محرک مولوی که به سراغ واجب غیری میرود همان محرکیت واجب نفسی است. اون محرک مولوی واجب نفسی است که سبب شده ما سراغ واجب غیری برویم و در نتیجه مقدمه را با قصد قربت انجام بدهیم چون اون مقدمه ای مدنظر واجب نفسی بوده است که قصد قربت همراهش باشد و لذا مشکلی ایجاد نمیشود.

غیر اینکه یک مطلب دیگری وجوب دارد و اون اینکه چه اشکالی دارد یک مقدمه ای با وجود اینکه مقدمه است به شکل خاص دلایلی و ادله ای آمده باشد و یک استحباب نفسی برایش ذکر شده باشد. مثل وضو که یک دلیل خاصی آمده است

که به خودی خود استحباب دارد. قدیمی‌ها میگفتند برای نماز باید شما قصد کنی وضو را برای یک واجب خاصی ولی جدیدی‌ها معمولا میگویند نه اینطوری نیست که شما قصد کنی یک واجب خاص را، بلکه شما وضو بگیرید برای یک امر مستحب نفسی مثلا مستحب نفسی برای قصد قربت به خداوند ؛ خود همین فی نفسه میتواند مقدمه‌ای باشد برای صلاه و مشکلی ایجاد نکند. یعنی آیا با این وضو مستحبی صرف میتوان نماز خواند؟